



الجزیره

«روبرت پیپ»، استاد دانشگاه شیکاگو و تحلیلگر مسائل بین الملل در فارین افرز مطرح کرد

بمباران بی حاصل غزه تکرار یک رویکرد تاریخی ناکام

گزارش

«روبرت پیپ»، استاد علوم سیاسی و مدیر پروژه دانشگاه شیکاگو در مقاله‌ای که در «فارین افرز» منتشر کرده است، به بررسی کارزاری پرحادثه که اسرائیل در غزه با هدف نابودی حماس و اشغال سرزمینی کامل غزه به جریان انداخته است. او معتقد است این کارزار شکست خورده است. او در این یادداشت ابتدا به حوادث تاریخی و حمله منتقدین به آلمان در سال ۱۹۴۲ اشاره می‌کند و می‌گوید: در آلمان، کارزار بمباران متفقین که از سال ۱۹۴۲ آغاز شد، آسمان را پر سر غیرنظامیان خراب کرد و مناطق شهری آلمان را یکی پس از دیگری ویران ساخت تا سرانجام ۵۸ شهر آلمان به طور کامل ویران شد. اما این بمباران‌ها، به رغم پیش‌بینی‌های اطمینان‌بخش مقام‌های متفقین، هرگز نتوانست روحیه شهروندان را در هم بشکند یا به خیزشی علیه آدولف هیتلر بینجامد. بلکه در واقعیت، تنها آلمان‌ها را تشویق کرد که در هراس از یک صلح مصیبت‌بار، سخت‌تر بچنگند. نازی‌ها هم با این تاکتیک به نتیجه دلخواه نرسیده بودند. بمباران آنها علیه لندن و دیگر شهرهای بریتانیا در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱، بیش از چهل هزار نفر از شهروندان معمولی را کشت و با این حال، وینستون چرچیل، نخست‌وزیر وقت بریتانیا نه تنها تسلیم نشد بلکه از تلفات انسانی برای

بسیج جامعه و فداکاری در مسیر پیروزی بهره برد. بمباران نازی‌ها موجب شد که بریتانیایی‌ها تلاش‌های یک‌ساله را برای ضد حمله و نهایتاً پیروزی بر کشوری که آنها را بمباران کرده بود، سامان دهند. «روبرت پیپ» با تصریح اینکه هیچ‌گاه یک کارزار جنگی موجب نشده که جمعیت هدف، علیه دولت خودش شورش کند، تأکید کرد: آمریکا هم این تاکتیک را بارها و بارها آزموده بی‌آنکه دستاوردی داشته باشد. در جریان جنگ کوره، آمریکا ۹۰ درصد تولید برق که شمالی را منهدم کرد. در جنگ ویتنام نیز همین کار را در ویتنام شمالی کرد. همچنین در جنگ خلیج فارس، حملات هوایی آمریکا، ۹۰ درصد تأسیسات تولید برق عراق را منهدم کرد، اما در هیچ یک از این موارد مردم خیزشی نداشتند. او در ادامه به جنگ اوکراین اشاره می‌کند و می‌افزاید: جنگ اوکراین تازه‌ترین نمونه از این نوع بمباران‌هاست. روس‌ها تقریباً مدت دو سال تفرقه‌انگیز کرده‌اند که با امواج ویرانگر بمباران‌های هوایی علیه سکنه شهرهای سراسر اوکراین، این کشور را تسلیم کنند، اما نتوانسته‌اند روحیه جنگی اوکراین را در هم بشکنند و مجازات جمعی شهروندان، تنها موجب شده که اوکراینی‌ها برای جنگ شدیدتر با روس‌ها متقاعد شوند.

تکرار الگوهای تاریخی در غزه
چندان دستاوردی نداشته است. این بمباران‌ها حتی به شکست جزئی حماس هم نینجامیده است. مهمتر اینکه به نظر می‌رسد رهبران و مبارزان حماس پیش از آنکه نیروهای اسرائیل وارد تونل‌ها شوند، آنها را ترک کرده‌اند؛ یعنی مهم‌ترین

این تحلیلگر غربی با بیان اینکه اکنون این الگوی تاریخی در غزه هم تکرار می‌شود، ادامه داد: به‌رغم دو ماه عملیات سنگین نظامی که آمریکا و بقیه جهان هم محدودیتی بر آن وضع نکردند، اسرائیل

که حمله زمینی گسترده اسرائیل هم محکوم به شکست است. در یک نگاه گسترده‌تر، کارزار نظامی اسرائیل نتوانسته کنترل حماس بر غزه را عمیقاً تضعیف کند. اسرائیل تنها توانسته یکی از گروهان‌های هفتم اکتبر را نجات دهد. بقیه گروهان‌هایی که آزاد شده‌اند، به خواست حماس بوده که نشان می‌دهد حماس همچنان مبارزانش را در کنترل خود دارد. به رغم قطع گسترده برق در منطقه غزه و ویرانگری‌های وسیع اسرائیل، حماس همچنان ویدیوهای تبلیغاتی خود را منتشر می‌کند که بیرحمی‌های اسرائیل علیه غیرنظامیان و نیز جریان شدید نبرد میان جنگندگان حماس و نیروهای اسرائیلی را نشان می‌دهد. تبلیغات حماس به طور گسترده روی تلگرام منتشر می‌شود. ارزیابی پروژه دانشگاه شیکاگو در زمینه امنیت و تهدیدها (که من مدیر آن هستم) نشان می‌دهد که شاخه نظامی حماس، بریگاده‌های القسام، از یازدهم اکتبر تا ۲۲ نوامبر، هر هفته حدود دو سوت ویدیو و پوستر را در این کانال تلگرامی منتشر می‌کند. حمله به رهبران و مبارزان حماس هم چندان آسان نیست، چرا که حماس کادرها و رزمندگان خود را مستقیماً از جمعیت محلی و نه از خارج، تأمین می‌کند.

نگاه مثبت ۶۷ درصد فلسطینیان به حماس

«روبرت پیپ» در ادامه می‌افزاید: یک افکارسنجی در چهاردهم نوامبر از فلسطینی‌های غزه و کرانه باختری که توسط مؤسسه جهان عرب برای پژوهش و توسعه در Arab World for Research and Development انجام شد، نشان می‌دهد که ۷۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند که نگاه مثبتی به حماس دارند. این را مقایسه کنید با تنها ۲۷ درصد پاسخگویان در این دو نقطه که در ماه سپتامبر گفتند که حماس بیشتر سزاوار است که نماینده مردم فلسطین باشد. این یک پیام تلخ دارد: بخش بزرگی از بیش از پانصد هزار مرد فلسطینی هجده تا ۲۴ سال، اکنون میوه رسیده‌ای برای عضوگیری حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی هستند که خواهان هدف گرفتن اسرائیل و شهروندانش می‌باشند. از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۵، حماس و دیگر گروه‌های تروریستی فلسطینی، بیش از ۱۵۰ حمله انتحاری انجام دادند و حدود هزار اسرائیلی را کشتند. تنها هنگامی که اسرائیل از غزه عقب نشست، این گروه‌ها تاکتیک انتحاری را تقریباً به‌طور کامل کنار گذاشتند. از آن زمان، شمار فلسطینی‌های غزه و کرانه باختری، ۵۰ درصد افزایش یافته و کار اسرائیل را برای کنترل قلمروهای آن در درازمدت، بازم دشوارتر کرده است. همه دلایل از آن حکایت دارد که اشغال دوباره غزه توسط اسرائیل برای یک دوره نامشخص، انطور که نتایج‌های می‌آید، به یک موج تازه و احتمالاً بزرگتر حملات انتحاری علیه غیرنظامیان اسرائیلی می‌انجامد.

اسرائیلی می‌تواند علناً اعلام کند که خواهان دستیابی به شرایطی است که فلسطینی‌ها در کشور و با دولتی که توسط طرف فلسطینی انتخاب شده و در کنار کشور یهودی اعلام کند که در نظر دارد فرایندی را توسعه دهد که مثلاً تا سال ۲۰۲۰ این هدف محقق شود و در ماه‌های آینده، گام‌های اساسی این کار را برخواهد داشت. می‌تواند اعلام کند که بلافاصله گسترش شهرک‌ها را متوقف کرده و از ساخت این شهرک‌ها در غزه هم تا سال ۲۰۲۰ خودداری خواهد کرد. همچنین می‌تواند اعلام کند که خواهان آماده‌کار با همه طرف‌ها و همه کشورهای منطقه و فراتر از آن، سازمان‌های بین‌المللی و همه احزاب فلسطینی است که خواهان پذیرش این اهداف هستند. این گام‌های سیاسی، کارزاری یادوام و بسیار هدفمند برای کاهش تهدید کوتاه‌مدت حملات حماس خواهد بود. در واقع در درازمدت، تنها راه شکست حماس، ایجاد یک شکاف سیاسی میان این گروه و مردم فلسطین است. گام‌های یکجانبه اسرائیل، نشان از تهدیدی جدی به یک آینده جدید است و چهارچوب و پوشش روابط اسرائیلی-فلسطینی را قاطعانه تغییر خواهد داد و جایگزینی واقعی در اختیار فلسطینی‌ها قرار می‌دهد که از حماس و خشونت حمایت نکنند. اسرائیلی‌ها هم آرام‌تر خواهند شد و دو طرف سرانجام در مسیر صلح قرار خواهند گرفت.

اسرائیل تمایلی به تغییر وضعیت ندارد

این تحلیلگر غربی با اشاره به اینکه دولت کنونی اسرائیل، هیچ نشانه‌ای از تمایل به پذیرش این طرح بروز نمی‌دهد، ادامه داد: اما این وضعیت تغییر می‌کند بویژه اگر آمریکا تصمیم بگیرد که از نفوذ خود استفاده کند؛ برای مثال کاخ سفید می‌تواند فشار پنهان بیشتری بردولت نتانیاها وارد کند تا از حملات کور در کارزار هوایی خود دست بردارد. او شاید مهم‌ترین گامی که واشنگتن می‌تواند در حال حاضر بردارد، آغاز سریع یک گفت‌وگو عمومی درباره رفتار اسرائیل در غزه است؛ گفت‌وگویی که امکان توجه عمیق به راهبردهای جایگزین را می‌دهد و اطلاعاتی غنی را در اختیار امریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و مردم جهان قرار می‌دهد تا خودشان پیامدهای این وضعیت را ارزیابی کنند. کاخ سفید می‌تواند ارزیابی‌های دولت آمریکا از تأثیر کارزار نظامی اسرائیل در غزه بر حماس و غیرنظامیان فلسطینی را منتشر کند. کنگره می‌تواند جلسات پرسش و پاسخی را درباره یک پرسش ساده برگزار کند: آیا این کارزار، مبارزان فلسطینی در قیاس با آنها می‌کند که می‌کشند، تولید نمی‌کنند؟ او در نهایت تصریح کرد: در چنین فضایی شکست رویکرد کنونی اسرائیل، روزبه‌روز آشکارتر می‌شود.

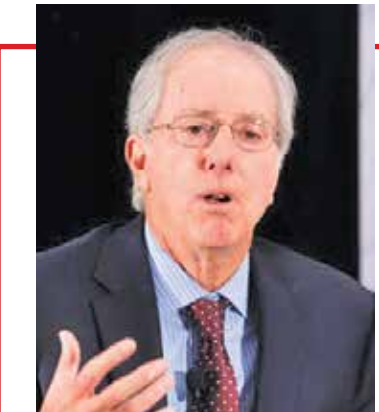
رشد جمعیت یهودی در قلمروهای فلسطینی؛ عامل شعله کشیدن نزاع

این استاد دانشگاه آمریکا همچنین گفت: هرچند منازعه اسرائیلی فلسطینی جنبه‌های مختلفی دارد اما یک واقعیت به روشن شدن پیچیدگی این تصویر کمک می‌کند. از اوایل دهه ۱۹۸۰، تقریباً هر ساله، جمعیت یهودی در قلمروهای فلسطینی افزایش یافته حتی در طول سال‌های فرایند صلح اسلو در دهه ۱۹۹۰. رشد شهرک‌ها به معنی از دست رفتن زمین‌های فلسطینیان و نگرانی‌های فراینده درباره مصادره سرزمین‌های بیشتر توسط اسرائیل برای اسکان یهودیان بیشتر در قلمروی فلسطینی‌هاست. در واقع یوسی داگان، یک شهرک‌نشین برجسته و عضو حزب نتانیاها، ایجاد شهرک‌ها در غزه را نیز تشویق کرده است؛ جایی که آخرین شهرک‌ها در سال ۲۰۰۵ جمع شدند. رشد جمعیت یهودی در قلمروهای فلسطینی، عامل محوری در شعله کشیدن نزاع است. در سال‌های پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، کل شمار یهودیانی که در کرانه باختری و غزه زندگی می‌کردند، از چند هزار نفر فراتر نمی‌رفت. روابط اسرائیلی-فلسطینی تقریباً آرام و هماهنگ بود. هیچ حمله انتحاری از طرف فلسطینی‌ها انجام نمی‌شد و دیگر انواع حملات هم در این دوره بسیار کم بودند. اما در پی روی کار آمدن دولت راست‌گرای حزب لیگود در سال ۱۹۷۷، که وعده گسترش شهرک‌ها را داد، اوضاع تغییر کرد. شمار شهرک‌نشینان از چهار هزار نفر در سال ۱۹۷۷ به ۲۴ هزار نفر در سال ۱۹۸۳ افزایش یافت. در سال ۲۰۲۲ حدود پانصد هزار یهودی اسرائیلی در قلمروهای فلسطینی زندگی می‌کردند، تازه به استثنای شرق بیت‌المقدس که حدود ۲۳۰ هزار یهودی دیگر در آنجا اسکان داده شده‌اند.

با رشد شهرک‌ها، آرامش و هارمونی میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها هم ناپدید شد. نخست در سال ۱۹۸۷، حماس تأسیس شد و سپس انتفاضه اول در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ و انتفاضه دوم بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ و پس از آن هم ادامه چرخه‌های خشونت میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها. تداوم بلاانقطاع شهرک‌های یهودی‌نشین، دلیل محوری از دست رفتن اعتبار راه‌حل دو کشوری از دهه ۱۹۹۰ به این سو است. اگر قرار باشد که مسیر جدی‌ای برای تشکیل یک دولت فلسطینی در آینده باشد، رشد این شهرک‌ها باید متوقف شود. به هر حال، چرا فلسطینیان باید حماس را رها کرده و از فرایند صلح خیالی‌ای حمایت کنند که به معنی از دست دادن سرزمین‌های بیشتر است؟

گام‌های ضروری که اسرائیل باید بردارد

«روبرت پیپ» در ادامه افزود:



دنيس راس

مشروعیت هم در کرانه باختری و هم در غزه رویه‌ور است، ادامه داد: اکثر فلسطینی‌های غزه و کرانه باختری از یک راه‌حل دو کشوری در چهارچوب مرزهای ۱۹۶۷ حمایت می‌کنند که اجازه دهد اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در صلح وفاق در کنار هم زندگی کنند. راه‌حل تک کشوری چندان طرفداری ندارد. البته جامعه فلسطینیان مهاجر در غرب از این راه‌حل بیشتر استقبال می‌کنند. در کرانه غربی و غزه فلسطینی‌ها بیشتر به آرمان خود یعنی کشور مستقل فلسطینی پایبند هستند. در داخل غزه حدود ۸۰ درصد مردم اساساً همزیستی با کشور اسرائیل استقبال می‌کنند. ۲۰ درصد هم طرفدار مقاومت مسلحانه هستند. به هر حال، فلسطینی‌ها نمی‌خواهند زیر اشغال اسرائیل زندگی کنند و نمی‌خواهند که این جنگ در غزه به یک اشغال تازه اسرائیلی ختم شود. می‌خواهند که اشغال اسرائیلی با یک دولت فلسطینی در غزه و کرانه باختری خاتمه یابد.



استیون کوک

«دنيس راس» با اشاره به اینکه فکری کم آن جریان‌ی غالب می‌شود که می‌گوید ما نمی‌توانیم فلسطینی‌ها را زیر اشغال نگه داریم و گمان کنیم که آنها به آسانی زیر بار خواهند رفت، افزود: این بسیار بد است که برخی افراد راست‌گرایان اسرائیلی، ظاهرآ این نکته را نمی‌فهمند. دست‌آخر، این امریکاست که باید این ماجرا را حل و فصل کند نه تنها به این دلیل که تنها دولتی است که اسرائیل به آن اعتماد دارد، بلکه تنها دولتی است که بر اسرائیلی‌ها نفوذ و تأثیر دارد.

امانی جمال: فلسطینی‌ها نمی‌خواهند جنگ در غزه به یک اشغال تازه اسرائیلی ختم شود

«امانی جمال»، استاد سیاست در دانشگاه پرینستون هم با اشاره به اینکه نسبت به حماس در غزه بی‌اعتمادی وجود دارد و حکومت خودگردان با بحران جدی عدم



امانی جمال

نخستین بار عملاً شاهد بحث و گفت‌وگویی اسرائیلی خواهیم بود که رابطه با فلسطینی‌ها چگونه باید باشد. او افزود: من می‌توانم دو وضعیت را تصور کنم: یک وضعیت این است که: ما دیدیم با حماس که یک نیمچه دولت بود، چه وضعی پیش آمد و دیدید چه تهدیدی را متوجه ما می‌کند. بنابراین نمی‌توانیم با آن کنار بیاییم. همچنین یک وضعیت دیگر را هم می‌بینم که حرف اساسی‌اش این است فرض کنید ما همین الان، حماس را شکست دادیم. اگر به اشغال فلسطینی‌ها ادامه دهیم و فکر کنیم که آنها به همین سادگی خاموش می‌شوند، دچار خواب و خیال شده ایم. ما اوضاع را رادیکالیزه (افراطی‌تر) می‌کنیم و دنباله‌های حماس خواهند آمد. فکر می‌کنم که این یک صدای قدرتمند خواهد بود. آخر داستان، این صدا هست که خودش را نشان خواهد داد و ما می‌توانیم درباره نقشی که می‌توانیم داشته باشیم، فکر کنیم.

تحلیلگران غربی در میزگرد اندیشکده امریکایی شورای روابط خارجی پیش‌بینی کردند

جنگ غزه؛ پایان گفتمان اشغال فلسطین



تحلیل

افزایش بیشتر بحران در خاورمیانه ندارد. تهران معتقد به تشکیل دولتی برپایه برگزاری یک همه‌پرسی است که در نهایت دولت‌مردان آن همگی از فلسطینیان و تصمیم‌گیرنده وضعیت سرزمین‌های اشغالی و اقلیت یهودیان در این سرزمین‌ها باشند.

استیون کوک: دیگر نمی‌توان خواسته‌های اسرائیلی را به فلسطینی‌ها دیکته کرد

«استیون کوک» در این نشست با تأکید بر اینکه باید نوعی بازاندیشی در اردوگاه فلسطینی‌ها هم شکل بگیرد و به نظم بازنگری در حکومت خودگردان اولویت دارد، ادامه داد: اکنون که بحث راه‌حل دو کشوری مطرح شده، نمی‌توانیم به همان روش‌هایی عمل کنیم که در گذشته عمل کرده ایم. باید ببینیم عملاً چه می‌توانیم انجام دهیم که به فلسطینی‌ها کمک کند. یکی از راه‌ها این است که به فلسطینی‌ها کوش دهیم و از آنها راه‌حل بخواهیم به جای آنکه دنبال دیکته کردن به آنها باشیم. او افزود: یک واقعیت درباره وجهه بین‌المللی اسرائیل وجود دارد: درست است که اردنی‌ها و بحرینی‌ها سفیرایشان را از تل‌آویو فراخواندند اما کسی رابطه‌اش را قطع نکرد. اسرائیل یک کشور مهم است. به خوبی در اقتصاد جهانی

اندیشکده امریکایی شورای روابط خارجی در نشست تازه‌ای با حضور شماری از تحلیلگران امریکایی به بررسی آخرین تحولات جنگ غزه پرداخته است. «استیون کوک»، کارشناس مطالعات خاورمیانه و آفریقا در شورای روابط خارجی، «امانی جمال»، استاد سیاست در دانشگاه پرینستون و «دنيس راس»، عضو ممتاز مؤسسه واشنگتن برای سیاست در خاور نزدیک و هماهنگ‌کننده ویژه پیشین آمریکا در امور خاورمیانه در این نشست به سناریوهای احتمالی تل‌آویو درباره جنگ غزه، تأثیر جنگ کنونی بر فلسطین و راه‌حل دو کشوری پرداختند. فضای دیدگاه کارشناسان حاضر در این نشست تأکید بر این گزاره بود که جنگ غزه معاللات راهبردی آمریکا و اسرائیل در فلسطین را دچار تحول بنیادین کرده و تل‌آویو ناگزیر است با پایان دادن به رویکرد اشغال، به نحوه تعامل جدید با فلسطین و لزوم مشارکت آنها در تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت شان بیندیشد. آنها همچنین با مخالفت بر ایده تک دولتی، بر لزوم پیگیری سیاست دو دولتی تأکید کردند و آن را تنها راهکار قابل اجرا دانستند.

تأکید این تحلیلگران غربی بر ایده دو دولتی در حالی است که به اعتقاد جمهوری اسلامی این طرح، کارکردی جز جنایت بیشتر علیه حقوق مشروع مردم فلسطین و زمینه‌سازی برای